

# اتحاد چپ کارگری

بولتن سیاسی خبری زیر نظر هیئت هماهنگی — شماره ۱۲۸\جمعه ۱۵ نوامبر ۲۰۰۲ برابر با ۲۴ آبان ۱۳۸۱ — کارگران جهان متحد شوید!

صفر قهرمانی درگذشت. یادش گرامی و راهش پررهرو باد!



## مصاحبه با «مایکل گونزالز»!

استاد دانشگاه و از فعالین باسابقه چپ در بریتانیا پیرامون تظاهرات «جنبش اجتماعی اروپا» European Social Forum در فلورانس! ۱۰۶۷ نوامبر ۲۰۰۲

بخش اول . معرفی: مایکل گونزالز، استاد ارشد در بخش آموزشهای ((هیسپانیک)) (اسپانیایی) در دانشگاه گلاسکو است، تخصص او در فرهنگ اسپانیایی، آمریکایی است و نویسنده فرهنگنامه انگلیسی اسپانیایی ((کلینز)) و کتب بیشمار از جمله ((فرهنگ معاصر در کارائیب و آمریکای لاتین)) است. رسانه‌های خبری جمعی در بریتانیا، تحلیل‌های او در رابطه با تاریخ و وقایع امروزی آمریکای لاتین را به کرات پخش کرده‌اند. او همچنین از متفکران و از پرکارترین اعضای حزب کارگران سوسیالیست بریتانیا است.

رادیو برابری و بولتن خبری اتحاد چپ کارگری این مصاحبه اختصاصی را روز ۶ نوامبر قبل از سفر او به فلورانس انجام داده است.

سؤال: اگر ممکن است در مورد شکل‌گیری و برنامه‌ریزی اعتراضات «فورم اجتماعی اروپایی» توضیحاتی بدهید.

جواب: باید از شکلگیری «فورم پورت الکره» و سابقه آن آغاز کرد. همانطور که میدانید در پی شکلگیری جنبش «زاپایستا» و در کنار آن مبارزات دهقانان بی زمین در برزیل و تظاهرات جنبش ضدسرمایه‌داری در «سیاتل» آنچه به آن جنبش اعتراضی جدید علیه جهان‌گستری سرمایه می‌گویند پدیدار شد و «پورت الکره» نتیجه منطقی ادامه این حرکات و همبستگی جنبشهای گوناگون از کارگران بیکار شده، مدافعان جنبش کارگری، مدافعان محیط زیست، جنبشهای زنان، دهقانان ... درگیر آن شدند. فکر میکنم حتی کسانی که این فوروم را در برزیل سازماندهی کرده بودند از تعداد شرکت کنندگان تعجب کردند. در این اجتماع ۷۰۰۰۰ نفر شرکت کردند. اکثر شرکت کنندگان از برزیل بودند و پس از آن از آمریکای لاتین ولی تعداد تعیین‌کننده‌ای از گروههای ضدسرمایه از اروپا، آمریکای لاتین و کانادا و تعدادی هم از آفریقا شرکت کرده بودند. در میان نمایندگان تعداد زیادی از ائتلاف بزرگ ضدسرمایه در فرانسه شرکت داشتند از گروه «آتک» که البته در سایر مناطق جهان هم فعالین بیشمار دارد... در ص ۲

## انتخابات ترکیه، نارضایتی از نظم موجود!

داریوش ارجمندی

هفته گذشته، انتخابات ترکیه با شکست فاحش ائتلاف احزاب دولتی پایان گرفت. در جریان این انتخابات، حزب توسعه و عدالت اسلامی (آ.ک.پ) با کسب ۳۴\۲ درصد آراء، ۳۳ کرسی از مجموع ۵۵۰ کرسی پارلمان ترکیه را از آن خود ساخت و انتظار می‌رود وظیفه تشکیل دولت آتی در این کشور را برعهده گیرد. سه حزبی که پیش از این مشترکاً قدرت دولتی را در دست داشتند، با بی‌مهری کامل رأی‌دهندگان روبرو شده و بطورکلی از پارلمان خارج گشتند. حزب دمکراتیک چپ ترکیه به رهبری بولنت اجویت نخست‌وزیر ناکونوی ترکیه، تنها قادر به کسب کمی بیش از یک درصد آراء شد، دو حزب دیگر دولت یعنی، حزب میهن (آناپ) و حزب عمل ملی نیز قادر به صعود از سد ۱۰ درصدی برای ورود به پارلمان نشدند. درمقابل، جریان ناسیونالیست موسوم به حزب جمهوریخواه مردم، با کسب ۱۹\۳ درصد آراء و ۱۷۸ کرسی، مقام دومین حزب بزرگ ترکیه را از آن خود ساخت. سایر کرسی‌های پارلمانی، ازسوی نمایندگان غیرحزبی و مستقل اشغال شد. دنباله در ص ۳

در صفحه ۴: معرفی کتاب، اطلاعاتی مربوط به سخنرانی رفیق یاسمین میظر در پالتاک، اطلاعاتی اتحاد چپ در مورد اعتراضات دانشجویی!

...دنباله مصاحبه با مایکل گونزالس از ص ۱

ولی رویه فرانس مرکز اصلی آن است و در کنار آن گروه چشمگیری از فعالین ایتالیایی شرکت داشتند که تعدادشان به ۱۵۰۰ نفری میرسد و از آن نظر جلب توجه میکردند که همگی پولورهای مشخص زردرنگ به تن داشتند. این جمع بسیار خوشبین، رادیکال و فعال بودند و در حقیقت نماینده جنبش اجتماعی ((جنوا)) بودند. که با بیش از ۲۰۰ جریان گوناگون در تماس بودند و در تظاهرات عظیم جنوا در سال گذشته شرکت داشتند. میدانیم که ۲۵۰ هزار نفر در آن سه روز تاریخی مقاومت و اعتراض شرکت کردند و البته در پایان غم انگیز آن، یک جوان ایتالیائی به نام ((کارلو جولیان)) توسط پلیس به قتل رسید.

ولی کل آن تجربه، برغم این واقعه غم انگیز، ((جنوا)) زمینه ساز شکل گیری بخش اروپایی جنبش ضد سرمایه بود. نه تنها در رابطه با عملکرد جهانی سرمایه، بلکه بر علیه سیاستهای خصوصی سازی در ایتالیا و تاحدی در بریتانیا. مامیدانیم که چنین امری اتفاق افتاد، چراکه در ماههای اکتبر، نوامبر و دسامبر سال گذشته، شاهد تظاهرات عظیمی در ایتالیا بودیم که نه تنها علیه جنگ موضع داشتند، بلکه علیه سیاستهای نژادپرستانه و خصوصی سازیهای پیشنهادی دولت دست راستی ((برلوسکونی)) موضع گرفتند.

این حرکات اعتراضی از آنجا اهمیت داشتند که پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، عده زیادی از جمله ((سوزان جرج)) پیش بینی میکردند که جنبش ضد سرمایه داری دوامی نخواهد داشت و در ادامه حمله به برجهای ساختمان تجارت جهانی و عواقب آن، ادامه این اعتراضات غیرممکن خواهد شد. درست عکس آن اتفاق افتاد، به جای اضمحلال، این جنبش موفق شد با درک بهتر اوضاع جهانی ارتقا پیدا کند.

این تصویری بود از جو حاکم بر ((پورت الگره)) و در طی این کنفرانس ۴ روزه تصمیم گرفته شد که ((فوروم اجتماعی جهانی)) باید در سطح منطقه ای درگیر مبارزه شود، نیروهای گوناگون را درگیر بحث، تبادل نظر و مبارزه مشترک سازد تا بتواند تحلیل درستی از جهان گستری سرمایه و شیوه های مبارزه با آن بدست آید، به همین دلیل تصمیم گرفته شد ((فوروم اجتماعی)) در اروپا تشکیل شود و تا حدی رقابتی درگرفت بین نمایندگان فرانسه و ایتالیا در مورد محل برگزاری این اجلاس. رقابتی که در حقیقت زمینه سیاسی داشت. چرا که آن ۱۵۰۰ نفر جوان پرشور و حرارت که از جنوا آمده بودند، اعتماد به نفس عجیبی داشتند و اطمینان داشتند میتوانند چنین جنبشی را از پایین در سطح اروپا برپا کنند. در حالیکه ((اتک)) فرانسه (و اینجا نمیخواهم موضعگیری کنم) با ۴ تن از نمایندگان ریاست جمهوری آمده بودند که علاوه بر این بحث خاصی را دنبال میکرد. این عده مطرح میکردند که بخش مهمی از وظایف جنبش جهانی ضد سرمایه گستری، بحث و اقبای نیروهای در قدرت است تا آنها را وادار کنند موضع شان تغییر کند. در نتیجه بحث سیاسی در پورتو الگره درگرفت که اگرچه هیچگاه به روشنی باز نشد، ولی رویه بحثی در مورد آینده جنبش بود: آیا این جنبش باید به نیروی فشاری تبدیل شود که در تبادل نظر با نیروهای در قدرت، با کمک سازمانهای غیردولتی تاثیرگذار باشد، یا جنبشی است که باید از پایین ساخت و ارتباط ایجاد کرد. انتخاب ایتالیا به عنوان محل برگزاری این اجلاس، در حقیقت پیروزی خط دوم بود. به عبارت دیگر پیروزی مدافعان ایجاد جنبش از پایین. از این جهت برپایی این اجتماع جوانان جنبش ضد سرمایه، مدافعان محیط زیست، فعالین اتحادیه های کارگری که علی-

خصوصی سازی ها و قوانین جدید ضد کارگری و ... فعالیت می کنند، اهمیت ویژه ای دارد. البته بحثهای سیاسی بشماروی بین گروههای تشکیل دهند وجود دارد بین ((اتونمیست ها، بلانکیست ها، توتی بلاکی ...)) ولی همین بحثها باعث تقویت این اجتماع است و در قلب آن نیرویی فعال است به نام ((ریفنداسیونا کمونیستا)) refondationa comunista که بسیاری از گرایشهای گوناگون چپ را متحد میکند و رشد بسیار سریعی دارد. در نتیجه این تجمع امکان بیسابقه ای برای همه ما ایجاد خواهد کرد تا بتوانیم به عنوان فعالان سیاسی و اجتماعی اروپا از اسکاتلند تا اسکاتلندیوی از فرانسه تا ولز از آلمان تا ایتالیا در مبارزه مشترکی متحد شویم. مثلاً مبارزه فعالان سیاسی انگلیس و اسکاتلند با دولت بلر شباهت های بیشمار به مبارزات کارگران ایتالیا دارد. اگرچه بلر و برلوسکنی ظاهراً در دو انتهای احزاب بورژوازی قرار دارند ولی سیاست هایشان در رابطه با حفظ منافع سرمایه به قیمت گسترش فقر و بیکاری شبیه هم است. در این ((فورم)) بسیاری از این مسائل مورد بحث قرار خواهد گرفت. امیدوارم نتایج این اجتماع علاوه بر انتقال به تظاهرات و اعتراضاتی که در پی آن در سراسر اروپا برنامه ریزی شده، بلکه تاثیر خود را بر مبارزات محلی و منطقه ای بگذارد.

سؤال: شما به عنوان یکی از فعالین چپ و کمونیست ارتباط این جنبش جدیدی با سازمانهای سیاسی موجود را چگونه می بینید. سازماندهی این دو با هم چه تقووتها و نقاط اشتراکی دارد؟

جواب: البته درست است که بخش گسترده ای از فعالیت های سیاسی ما ربطی به این فورم ندارد. از طرف دیگر این اولین ((فورم اجتماعی)) اروپا است پس از جنبه هایی اول کار است. همه ما یا حداقل آن جمعی از ما که این تجمع را بیان موفق انترناسیونالیسم جدیدی میدانیم که نبرد سیاسی درپیش دارد که باید در آن برنده شویم و بخشی از این نبرد این است که دیگران را قانع کنیم که هماهنگی مبارزات، ایجاد همبستگی و همکاری درست است. از طرف دیگر تعداد بشار شرکت کنندگان در این اعتراضات به آنها قدرت و توانایی بی سابقه میدهد و از این امر هم باید استفاده کرد. البته که سازماندهی برای آن مشکل است، فلورانس دور است و ما سفر طولانی در پیش داریم و جمع آوری هزینه سفر خودش کار ساده ای نبوده است. اگر مثال اسکاتلند را بررسی کنیم، کشوری است با ۵ میلیون جمعیت که سابقه مشخصی در همکاری با چپ ایتالیا یا حتی چپ در هیچ کجای اروپا ندارد مگر در سطح سازمانهای سیاسی چپ جنبش توده ای ارتباطی با جنبش خارج از مرزهای ملی نداشته است. البته دلایل آن هم مشخص است، سیاستهای امپریالیستی و انزوا طلب بورژوازی بریتانیا این مسئله را تقویت کرده است. در نتیجه سنت سیاسی سوسیال دمکراسی در این کشور ضد اروپایی است اگرچه در مورد اکثر چپ نمیشود چنین قضاوتی کرد. آنچه باعث شده امکان پیروزی در نبرد کنونی قابل تصور باشد این است که مبارزه مشترک تنها باعث تقویت روحیه است که میتواند از نظر کمی هم اهمیت داشته باشد. یکشنبه مبارزات موازی ما خیلی به هم نزدیک شده است. مثلاً از اسکاتلند علاوه بر فعالان جنبش ضد سرمایه و فعالین سیاسی از حزب سوسیالیست اسکاتلند یا حزب سبزها تعدادی از اتحادیه های کارگری، کانونهای ادبی و هنری تصمیم گرفته اند به ((فلورانس)) نماینده بفرستند. چرا که به تدریج مردم متوجه شدند قدرتشان در اتحاد است.

من نسبت به این اوضاع خوشبین هستم. مثال چند هفته پیش تظاهرات ۴۰۰۰۰۰ نفری در لندن بود. من یادم هست در گذشته (مثلاً جنگ خلیج) خیلی از مخالفان جنگ تنها مخالف جنگ بودند و بس در حالیکه در تظاهرات اخیر بخش وسیعی از مردم رابطه بین اقتصاد سرمایه داری و جنگ طلبی را میدانستند و شعارهایی مبنی بر نقش ((نفت)) در جنگ جوی ایالات متحده و بریتانیا میدادند.

در چنین جوی بحث سیاسی سریع پیش میرود و فلورانس زمینه مناسبی برای پیشبرد این بحثها است.

این آغازی است از نظر من، برای شکل گیری یک چپ اروپایی با پایگاه توده ای حقیقی. البته من فکر نمیکنم درست باشد که تجمع فلورانس رهبری سیاسی این حرکات اعتراضی شود چرا که بحثهای بیشمار، خود نقطه قوت این تجمع است.

## ...دنباله انتخابات ترکیه از ص ۱

علی‌رغم سروصدایی که رسانه‌های گروهی غرب در مورد اسلامی بودن آ.ک.پ و خطر اسلامیزه شده ترکیه پیا کردند، ضروریست که بر دو نکته تأکید ورزیم. نخست اینکه نباید رأی مردم به این جریان را به اسلام‌گرایی ایشان تعبیر کرد، و دوم اینکه حزب ترقی اسلامی، یک حزب بنیادگرا نبوده و خواهان برهم‌زدن نظم موجود نیست. در مورد نکته اول باید توضیح داد که رأی مردم ترکیه به حزب ترقی اسلامی، قبل از آنکه رأی به این حزب و شعارهای آن باشد، اعلام مخالفت و نارضایتی از سیاست‌های دولت سابق ترکیه، بویژه در زمینه اقتصادی است.

رژیم ترکیه در سالهای اخیر، و در پی دریافت چند میلیارد دلار وام از صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، سیاست‌های اقتصادی دیگته شده از سوی این نهادها را به اجرا گذاشت. در نتیجه این سیاست‌ها از قبیل خصوصی‌سازی‌های گسترده، اصلاح قانون کار (به نفع کارفرمایان)، تعدیل نیروی انسانی، اصلاح سیستم بانکی (از جمله شناور شدن ارز ترکیه)، کاهش هزینه‌های دولتی (حذف یارانه، کاهش امکانات رفاهی و غیره)، تنها در طول دوسه سال گذشته، بیش از یک میلیون نفر از شاغلین ترکیه به صف بیکاران پیوسته‌اند. تعداد زیادی از کارگاه‌های کوچک که در عین حال بخش عظیمی از کارگران ترکیه را در استخدام خود دارند، به ورشکستگی کامل دچار شده‌اند. این همه، تعداد بیکاران ترکیه را به رقم کم سابقه ۲ میلیون نفر افزایش داده است. همزمان، شناور شدن ارز کشور، ارزش آنرا به میزان ۳۳ درصد کاهش داده است، امری که از یک سو، تورم و گرانی کالاها را مورد نیاز مردم را بدنبال داشته، و از دیگر سو، با ثابت ماندن و یا افزایش ناچیز دستمزدها، قدرت خرید توده‌ها را به شدت محدود کرده است. به بیان دیگر، در نتیجه اجرای سیاست‌های اقتصادی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در ترکیه، اقتصاد این کشور به چنان بحرانی دچار شده است که از زمان جنگ جهانی دوم بدین سو، سابقه نداشته است. بیهوده نیست که در تظاهرات میلیونی سال گذشته، شعار محوری تظاهرنندگان، در مخالفت با صندوق بین‌المللی پول بود.

باتوجه به این نکات، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که رأی مردم ترکیه به حزب عدالت اسلامی، در واقع نوعی اظهار مخالفت و نارضایتی از سیاست‌های ورشکسته اقتصادی احزاب سنتی ترکیه می‌باشد. در حقیقت، جریان انتخابات ترکیه، از این نظر شباهت بسیاری با انتخابات سالهای اخیر در کشورهای اروپایی دارد که به رشد کم سابقه و حتی صعود برخی از جریان‌های شبه‌راسیستی به قدرت منجر شد. این احزاب که به "احزاب موج سوار" مشهور شده‌اند، دقیقاً به علت فساد موجود در احزاب سنتی حاکم و سیاست‌های اقتصادی نتولیرالیستی آنها، قادر بوده‌اند که با انتقاد از احزاب حاکم و بدون آنکه خود آلت‌ناتیو روشنی برای حل بحران موجود ارائه دهند، رأی مردم کشورهای اروپایی را به خود جلب کنند. نمونه‌های موفقیت‌آمیز این قبیل احزاب را در اتریش (برهبری یورگ هایدلر)، در فرانسه (برهبری ژان ماری لوپن)، و همچنین در نروژ (حزب ترقی) و دانمارک (حزب مردم)، شاهد بوده‌ایم. گذشته از حصلت ارتجاعی و نژادپرستانه این قبیل احزاب، می‌توان به ویژه‌گی‌های دیگری نزد آنها اشاره کرد. مهمترین این ویژه‌گی‌ها، همچنان که پیش‌تر نیز اشاره شد، حصلت بورژوازی این جریان‌هاست. در پشت ماسک انتقادآمیز این احزاب، چیزی جز تکرار سیاست‌های اقتصادی سرمایه‌داری وجود ندارد که البته عموماً با محتوایی به مراتب راست‌تر از سایر احزاب بورژوازی عمل می‌کنند. اما حصلت مهم دیگر این احزاب، همانا در موقتی بودن آنهاست. این جریان‌ها، درغیاب چپ سازمان یافته، با سرقت شعارهای چپ، رأی طبقات و اقشار زحمتکش و میانه را خریده و در پی دوره‌ای آب به آسیاب دشمن ریختن، جای خود را به همان احزاب سنتی بورژوازی می‌دهند. نمونه بازر این مسئله را میتوان در اتریش و پائین آمدن فاحش محبوبیت حزب دست‌راستی "هایدر" مشاهده نمود.

تنها تفاوت حزب توسعه و عدالت اسلامی ترکیه با احزاب شبه‌راسیستی اروپا در این است که در ترکیه، جریان موج‌سوار، با ظاهری اسلامی و نه ناسیونالیستی، به میدان آمده است، آنهم به این دلیل که، جریان ناسیونالیست افراطی در ترکیه، خود جزئی از همان احزاب و سیستم سیاسی سنتی در این کشور است که مورد بی‌مهری مردم قرار گرفته است.

بدین ترتیب، و باتوجه به اظهارات رهبران حزب عدالت اسلامی، می‌توان اطمینان داشت که این جریان، همچون هر حزب دیگر خدمتگزار نظام سرمایه‌داری، قواعد و قوانین بازی سیاسی را رعایت کرده و در نهایت، مجری همان سیاست‌هایی خواهد بود که از دولت قبلی به ارث برده است. بیهوده نیست که آمریکا، بزرگترین متحد ترکیه، تنها چند روز پس از اعلام نتایج انتخابات در این کشور، تصمیم خود مبنی بر ارسال هلی‌کوپترهای نظامی به ترکیه را که قرار است در جنگ علیه عراق به کار گرفته شود، علنی ساخت. به عبارت دیگر، دولت جرج بوش اطمینان دارد که دولت جدید ترکیه، علی‌رغم "اسلامی" بودن‌اش، در جنگ علیه "مسلمانان عراقی"، مشکل‌ساز نخواهد بود و به وظایف خود عمل خواهد کرد. در رابطه با موضع حزب توسعه و عدالت اسلامی ترکیه در قبال جنگ آمریکا علیه عراق، باید گفت که رهبران این جریان اعلام داشته‌اند که تنها در صورت برخورداری آمریکا از حمایت شورای امنیت سازمان ملل، به همکاری نظامی با آن خواهند پرداخت، مسئله‌ای که در پی قطع نامه جدید شورای امنیت و توافق میان فرانسه و آمریکا، حل شده به نظر می‌رسد.

بحران ادامه خواهد یافت!

پیش از انتخابات، تلاش‌های زیادی از سوی سیاست‌گذاران ترکیه برای ممنوع کردن حزب توسعه صورت گرفت. از جمله تلاش شد که مسئله سابقه جزایی «اردوگان» رهبر این حزب و ممنوعیت فعالیت سیاسی از سوی او، مورد بهره‌برداری قرار گیرد. هرچند این تلاش‌ها بجایی نرسید، اما همزمان باید گفت که قوانین موجود «اردوگان» را از رسیدن به مقام نخست‌وزیری محروم می‌کند. حال باید دید که آیا حزب اسلامی وی از موقعیت برتر خود در پارلمان برای تغییر این قانون استفاده خواهد کرد یا نه؟ فراموش نکنیم که حزب توسعه و عدالت اسلامی تنها با جلب رأی چهار نفر از نمایندگان پارلمان، میتواند از اکثریت دوسوم لازم برای تغییر قانون اساسی ترکیه برخوردار شود. در چنین موقعیتی، این سؤال بوجود می‌آید که آیا "شورای نگهبان" ترکیه، یعنی ارتش این کشور، برای نجات قانون اساسی و حفظ نظم موجود، چه عکس‌العملی نشان خواهد داد؟ مشکل دیگر نظام سیاسی ترکیه، قانون انتخابات آن است که به احزابی که قادر به کسب حداقل ۱۰ درصد آراء نشوند، اجازه ورود به پارلمان را نمی‌دهد. به عنوان نمونه، جبهه «دهاپ» علی‌رغم کسب ۶۲ درصد از آرای مردم، نتوانست به پارلمان راه یابد. جبهه دهاپ، متشکل از احزاب چپگرای ترک و کرد است که عمدتاً در مناطق کردنشین فعالیت دارد، چراکه بزرگترین جریان این جبهه حزب کردی «هادپ» است که چندی پیش از دل حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) بیرون آمد.

در انتخابات اخیر، رأی بیش از ۴۵ درصد مردم، تنها بدلیل آنکه به احزابی داده شد که قادر به عبور از این سد نشدند، کاملاً نادیده گرفته شد. امری که دمکراتیک بودن نظام سیاسی ترکیه را بشدت زبر سؤال میبرد.

اما در نهایت باید گفت که بحران ترکیه قبل از هر چیز اقتصادی است و بحران سیاسی این کشور هم بیش از همه، از سیاست‌های اقتصادی دولتی سرچشمه می‌گیرد. بدین ترتیب و باتوجه به اینکه دولت اسلامی جدید نیز به هر حال همان سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را در پیش خواهد گرفت، می‌توان اطمینان داشت که بحران و نارضایتی توده‌ها از نظم موجود همچنان ادامه یابد.

## معرفی کتاب

انتشارات بیدار منتشر کرده است:

- الف) از سری کتاب‌های در دفاع از سوسیالیسم، جلد ۶ در ۱۵۰ صفحه، حاوی ۶ مقاله با عناوین زیر:
- ۱- مناقضات "فاز پائینی" جامعه کمونیستی. نویسنده: مایکل لیوویتسن، با ترجمه ح. ریاحی، حاوی ۴۱ صفحه.
- ۲- دولت‌شهر سوسیالیستی: یونان باستان و سوسیالیسم در اندیشه مارکس. نویسنده: کلودیو کتس، مترجم: اکبر افسری حاوی ۳۵ صفحه. ۳- سوسیالیسم، دمکراسی، بازار، برنامه‌ریزی. نویسنده: دیوید شوایکارت، مترجم: سوسن روستا، حاوی ۳۰ صفحه.
- ۳- ارزش یک تمدن نوین: نویسندگان: فرای بتو، مایکل لووی، مترجم: مونا پرهیزگار، حاوی ۶ صفحه.
- ۴- بازگشت به اصول سوسیالیسم. نویسنده: جی.ای. کوهن، مترجم: سوسن روستا، حاوی ۲۶ صفحه.
- ۵- در راستای پیشی رومانیک انقلابی درباره تاریخ. نویسنده: مایکل لووی، مترجم: مریم اشکان، حاوی ۱۰ صفحه.
- ب) مجموعه‌ای با عنوان: دفترهای بیدار شماره ۹، به نام مارکسیسم و مسئله انسانی در ۱۱۳ صفحه حاوی ۳ مقاله شرح زیر:
- ۱- انسان‌گرایی مارکسیستی. نویسنده: میشل لووی، مترجم: م. میرزایی، در ۹۲ صفحه.
- ۲- امید به سوسیالیسم در ژرفنای تاریکی. نویسنده: نورمن جراس، مترجم: ح. ریاحی، در ۴۲ صفحه.
- ۳- انسان بهینه، گفتاری در انسان‌شناسی مارکسیستی. نویسنده: مارک فریتزهند، مترجم: م. گودرزی، در ۱۱ صفحه.
- ج) گزیده مقالاتی پامون جهانی‌شدن، حاوی ۲ مقاله بشرح زیر:
- ۱- مفهوم عمومی انسان در سنت لیبرالی و سوسیالیستی. نویسنده: استفانو پتروسیانی. مترجم: م. ت. توانا، در ۲۶ صفحه.
- ۲- انسان‌گرایی انقلابی ارنست مندل. نویسنده: میشل لووی، مترجم: حشمت محسنی، در ۲۱ صفحه.
- طبق خبر دریافتی، نشر بیدار بزودی با ورود به شبکه اینترنت، فهرست آثار خود را به اطلاع عموم میرساند. علاقمندان به دریافت آثار معرفی‌شده در بالا، می‌توانند از طریق آدرس پستی اتحاد چپ کارگری، و یا تماس با نشر بیدار، این کتاب‌ها را تهیه نمایند. آدرس اتحاد چپ در صفحه آخر بولتن موجود است. آدرس نشر بیدار به شرح زیر می‌باشد:
- Iranischer Kulturverein (Bidar)  
Bei Iranische Bibliothek  
Am Juden Kirchhof 11C  
D- 301 67 Hanover Germany  
Tel: oo49/511/714544

## اطلاعیه خبری اتحاد چپ کارگری پیرامون ۴ روز اعتراض‌های دانشجویی در ایران!

در چهارمین روز اعتراضات گسترده جنبش دانشجویی در ایران علیه حکم اعدام هاشم آجاجری، در دفاع از زندانیان سیاسی و آزادی بیان اتحاد چپ کارگری با پخش گسترده اطلاعیه‌ای به زبان انگلیسی توجه جهانیان را به این تظاهرات جلب کرد و از اتحادیه‌های دانشجویی، فعالین چپ در میان استاید و دانشگاهیان اروپایی و آمریکایی و فعالین جنبش کارگری خواست از شعارهای دانشجویان ایرانی برای آزادی زندانیان سیاسی حمایت کنند.

در این اطلاعیه با درج اخبار روز به روز تظاهرات دانشجویی در تهران و اشاره به اعتراضات در سایر شهرهای ایران مطرح شده است.

مطابق گزارش‌های رسیده از تهران هزاران دانشجو در روزهای شنبه، یکشنبه و دوشنبه این هفته در تظاهرات گسترده‌ای در دانشگاه تهران، تربیت مدرس تهران، دانشگاه‌های همدان (۲۰۰ نفر)، کرمان، ارومیه (۲۰۰۰ نفر) و اصفهان، خواهان لغو حکم اعدام هاشم آجاجری شدند و شعارهایی در دفاع از زندانیان، آزادی بیان و علیه قوه قضایی مطرح کردند. به گفته بسیاری از مفسران این بزرگترین تظاهرات دانشجویی در سه سال اخیر (پس از وقایع تابستان ۱۳۸۱) بود.

## سخنرانی یاسمین میظر از اتحاد چپ کارگری ایران در پالتاک!

### حول حقوق زنان و مسئله ملی

جمعه ۱۵ نوامبر ۲۰۰۲ ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت غرب آمریکا  
۹ شب به وقت لندن، ساعت ۱۰ شب به وقت اروپای مرکزی

اطلاق Iran is not Persia بخش  
By Languages/ Nationality

شماره حساب پستی اتحاد چپ کارگری ایران در سوئد:

pg: 4289444-0

شماره فکس و آدرس پستی اتحاد چپ کارگری ایران:

Address: Box 22 33 40 314 Gtg Sweden

Fax: 0046 31139897 0044 8701257959

آدرس ما در اینترنت:

http://www.etehadchap.com

e-mail: web@etehadchap.com

آدرس پست الکترونیکی اتحاد چپ کارگری در آمریکا:

us.east@etehadchap.com

آدرس پست الکترونیکی کمیته زنان اتحاد چپ کارگری:

zanan@etehadchap.com

مسئول اجرایی بولتن: داریوش ارجمندی، سوئد

d.arjmandi@malmo.com

زنده‌باد سوسیالیسم!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی